

نماز مسافر در کتاب و سنت

○ جعفر سبحانی

بکیده

نویسنده در این مقاله به یکی از موضوعات اختلافی میان فقه شیعه و فقه اهل سنت پرداخته است. به نظر فقیهان شیعه، مسافر با وجود شروطی که در جای خود ذکر شده است، می بایست نمازش را کوتاه بخواند، اما میان فقهای اهل سنت اختلاف است؛ حنفیه با شیعه هم عقیده هستند ولی سایر مذاهب، قصر در نماز مسافر را جایز یا مستحب مؤکد دانسته اند. نویسنده پس از بررسی قرآن کریم و روایات اهل سنت به این نتیجه می رسد که قرآن نه بر وجوب و نه بر جواز دلالتی ندارد و در این زمینه ساکت است، ولی روایات فراوانی از پیامبر (ص) گویای این است که آن حضرت نه تنها سفارش به کوتاه خواندن نماز در سفر می کرد، بلکه خود نیز در سفرهایش به قصر نمازهای چهار رکعتی پای بند بود. اصحاب آن حضرت و خلفای بعد از او نیز بر همین سیره بودند و تنها عثمان در سالهای پایانی خلافتش و عایشه بنابر نقل بعضی، نماز را در سفر تمام می خواندند؛ در حالی که چون عمل آنان فاقد دلیل موجهی بود با مخالفت اصحاب دیگر روبه رو شد. بنابر این هیچ دلیل معتبری در منابع فقه اهل سنت - همچون منابع فقه شیعه - بر جواز تمام خواندن نماز در سفر وجود ندارد.

کلید واژگان: نماز مسافر، نماز قصر، نماز کوتاه، رخصت، فقه شیعه، فقه اهل سنت، عثمان، عایشه.

کوتاه خواندن نماز در سفر، واجب یا جایز؟

مسلمانان به پیروی از قرآن کریم و سنت پیامبر (ص) معتقدند که کوتاه خواندن نماز در سفر - هر چند ترسی در آن سفر وجود نداشته باشد - مشروع است. اما بحث در این است که آیا قصر نماز در سفر، واجب، مستحب مؤکد یا جایز می باشد؟

در این زمینه سه نظریه وجود دارد که اینک به طور مشروح آنها را ذکر می کنیم:
امامیه و حنفیه معتقدند که کوتاه خواندن نماز در سفر واجب است و بر مسافر - در نمازهای چهار رکعتی - خواندن دو رکعت واجب است.

از دیدگاه مالکیه - کوتاه خواندن نماز در سفر، مستحب مؤکد است؛ زیرا پیامبر (ص) اینچنین عمل می کرده و دیده نشده که ایشان در سفرهایش نمازها را تمام بخواند.

مسلم و بخاری از عبدالله بن عمر روایت کرده اند که گفت:
در سفری با پیامبر (ص) بودم و [دیدم که] او بر دو رکعت نمی افزود و ابوبکر و عمر و عثمان هم چنین عمل می کردند.^۱

شافعیه و حنابله معتقدند که کوتاه خواندن جایز است و مسافر می تواند نمازهایش را تمام یا کوتاه بخواند.

شیخ طوسی در کتاب «الخلاف» گفته است:

کوتاه خواندن نماز در سفر، حتمی و واجب است و بایستی نمازهای ظهر، عصر و عشا دو رکعتی خوانده شوند و اگر کسی با علم به این که دو رکعت واجب است، چهار رکعت بخواند، بایستی اعاده کند.

دیدگاه ابوحنیفه هم مثل دیدگاه ماست، با این تفاوت که به نظر او اگر کسی بیشتر از دو رکعت بخواند و در رکعت دوم تشهد بگوید، نمازش صحیح است و بیشتر از دو رکعت، نافله محسوب می شود مگر آنکه به کسی که مسافر نیست اقتدا کرده باشد و امام، نماز را کامل بخواند که در این صورت تمامی چهار رکعت نماز مسافر، نماز واجب محسوب شده و با همین نماز، فریضة واجب از او

۱. شرح صحیح مسلم از نووی، ج ۵، ص ۲۰۵، باب نماز مسافر و قصر نماز از کتاب صلاة، شماره ۸.

ساقط می شود. قول وجوب کوتاه خواندن نماز، مذهب علی (ع) و عمر و در میان فقها، مذهب ابوحنیفه و اصحاب اوست.

شافعی گفته است: مسافر مختار است که نمازش را در سفر دو رکعت یا مانند کسی که در حضر است چهار رکعت بخواند و اگر چهار رکعت بخواند، نماز واجب از او ساقط می شود. در عین حال، شافعی گفته که کوتاه خواندن نماز افضل است.

مزنی گفته است: تمام خواندن نماز در سفر، افضل است. در میان صحابه، عثمان، عبدالله بن مسعود، سعد بن ابی وقاص و عایشه و در میان فقها، اوزاعی و ابو ثور به همین اعتقاد دارند.^۲

آنچه بیان شد اقوال مسأله بود. بحث نماز مسافر ابعاد مختلفی دارد. گاه از مسافتی که کوتاه خواندن نماز در آن جایز است بحث می شود و گاه از نوع سفری که می توان نماز را در آن کوتاه خواند؛ به این معنا که آیا کوتاه خواندن نماز به سفر مباح اختصاص دارد یا سفر معصیت را هم شامل می شود. گاهی نیز از مکانی که کوتاه خواندن نماز از آنجا شروع می شود بحث می شود و گاه در مقدار زمانی که در صورت اقامت مسافر در آنجا نماز او تمام می شود. برخی مثل مالکیه و شافعیه^۳ معتقدند که نیت اقامت چهار روز کافی است و برخی دیگر مانند امامیه معتقدند که نماز مسافر کوتاه است مگر آنکه قصد اقامت ده روز کند. همچنین مباحث دیگری در مورد نماز مسافر میان فقهاء مطرح است، اما ما موضوع دیگری را مورد بحث قرار می دهیم و آن اینکه آیا کوتاه خواندن نماز در سفر واجب یا جایز و یا مستحب مؤکد می باشد، به مباحث دیگر نمی پردازیم، همچنانکه به مبحث شروطی که فقها در مورد کوتاه خواندن نماز ذکر کرده اند نیز وارد نمی شویم؛ زیرا بحث در این موضوعات نیازمند تالیف کتاب مستقلی است که ما در کتاب «ضیاء الناظر فی صلاة المسافر» این کار را کرده ایم.

بعد از این مقدمه وارد اصل موضوع می شویم. خداوند در قرآن می فرماید:

۲. الخلاف، ج ۱، ص ۵۶۹، کتاب الصلاة، مسألة ۳۲۱.

۳. الفقه الاسلامی وادلته، ج ۲، ص ۳۳۸ - ۳۳۹ به نقل از شرح الکبیر و مغنی المحتاج.

وإذا ضربتم في الأرض فليس عليكم جناح أن تقصروا من الصلاة إن خفتم أن
يفتنكم الذين كفروا إن الكافرين كانوا لكم عدواً مبيناً؛^٤

هنگامی که سفر می کنید، گناهی بر شما نیست که نماز را کوتاه کنید، اگر از فتنه
و خطر کافران بترسید؛ زیرا کافران برای شما دشمن آشکاری هستند.

تفسیر مفردات آیه شریفه:

۱. «الضرب في الأرض» کنایه از سفر است و معنای جمله این است که اگر سفر
کردید گناهی نیست که از تعداد رکعات نماز کوتاه کنید و نمازهای چهار رکعتی را به
صورت دو رکعتی بخوانید.^۵

قرطبی نیز در «الجامع لاحکام القرآن» چنین تفسیر کرده است.^۶ شاهد صحت این
تفسیر، استعمال عبارت «الضرب في الأرض» در چندین آیه از آیات قرآن است؛ مانند آیه:

يا أيها الذين آمنوا إذا ضربتم في سبيل الله فتيبوا؛^۷
ای اهل ایمان، چون در راه خدا بیرون روید، تحقیق و جستجو کنید.

و آیه:

... إن أنتم ضربتم في الأرض فأصابكم مصيبة الموت ...^۸
اگر در سفر به شما مصیبت مرگ رسد ...

و آیه:

... إذا ضربوا في الأرض أو كانوا غزى لو كانوا عندنا ما ماتوا و ما قُتلوا؛^۹
... هنگامی که به سفر رفته و یا به جنگ حاضر شدند، گفتند: اگر نزد ما
می ماندند نمی مردند و کشته نمی شدند.

۲. واژه جناح که در آیه آمده به معنای گناه است، همچنان که در عبارت شیخ طوسی

۴. نساء، آیه ۱۰۱.

۵. التبیان في تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۳۰۷.

۶. الجامع لاحکام القرآن، ج ۵، ص ۳۵۱.

۷. نساء، آیه ۹۴.

۸. مائده، آیه ۱۰۶.

۹. آل عمران، آیه ۱۵۶.

در تفسیر تبیان آمده است و در موارد متعددی در بسیاری از آیات نیز، این واژه به معنای گناه آمده است. خداوند فرموده است:

فمن حجّ البيت او اعتمر فلا جناح عليه ان يطوّف بهما؛^{۱۰}

پس هر کس حجّ خانه کعبه یا اعمال مخصوص عمره به جای آورد باکی بر او (و گناهی) نیست که سعی صفا و مروه، نیز به جای آورد.

واژه «جناح» در قرآن، بیست و پنج بار تکرار شده و همه جا مراد از آن، گناه است.

۳. عبارت: «فلیس علیکم جناح» جزاء جمله شرطیه بعدی است. گویی خداوند فرموده است: «ان خفتم ان یفتنکم الذین کفروا فلیس علیکم جناح ان تقصروا من الصلاة».

۴. منظور از «قصر» کم کردن عدد رکعات نمازهای چهار رکعتی به دو رکعت است. ولی برخی «قصر» را به کاستن کیفیت و اوصاف نماز تفسیر کرده اند؛ به این معنا که به مقتضای شرایطی که برای نمازگزار پیش می آید رکوع و سجود نماز به اشاره کردن تبدیل شود و یا نماز به صورت سواره و یا در حال راه رفتن، اقامه شود، همانطور که در مورد نماز خوف و کسی که در تعقیب است و یا به اجبار همراه کسی است، چنین وارد شده است.

این معنا از قصر در برخی روایات به ابن عباس و ابن جریج به نقل از ابن طاووس از پدرش، نسبت داده شده و ابوبکر جصاص در تفسیرش این معنا را پسندیده است.^{۱۱} ممکن است از ظاهر سخنان سید مرتضی در «الانتصار»^{۱۲} و قطب راوندی در «فقه القرآن»^{۱۳} نیز این معنا استفاده شود.

اما آنچه میان مفسران معروف است و از روایات امامان اهل بیت (ع) استفاده می شود این است که مراد از قصر، کاستن از کمیت و مقدار رکعات نمازهای چهار رکعتی است.

۱۰. بقره، آیه ۱۵۸.

۱۱. احکام القرآن، ج ۲، ص ۲۵۹.

۱۲. الانتصار، ص ۵۳.

۱۳. فقه القرآن، ج ۴، ص ۵۱۶.

بر این اساس حرف «من» در عبارت «من الصلاة» تبعیضیه است؛ یعنی مقداری از نماز. اما اینکه «من» طبق نقل ابو البقاء از اخفش زایده باشد. بنا بر اینکه «من» در جمله های اثبات می تواند زائد باشد. شایسته کتابی مثل قرآن نیست. ۱۴

مطلب دیگر اینکه آیه مورد نظر، قصر در نماز را به سفری که همراه ترس باشد اختصاص داده است و ظاهر آیه نشان می دهد که سفر، موضوع مستقلى برای قصر نیست بلکه موضوع قصر، سفر همراه با ترس است. ولی سنت، این آیه را تفسیر کرده و برای سفر نقشی استقلالی در کوتاه شدن نماز قائل شده است؛ زیرا پیامبر (ص) در سفرهایش همچنانکه روایات آن خواهد آمد. در حال ترس و امنیت، نماز را به کوتاه می خوانده است. اما دلیل اینکه در این آیه، قصر را بر ترس معلق کرده، به سبب بیان حالتی بوده که مکرراً اتفاق افتاده است؛ زیرا اکثر سفرهای پیامبر (ص) با ترس همراه بوده است. به عبارت دیگر، قید ترس در آیه شریفه، قید غالبی نسبت به شرایطی است که آیه در آن نازل شده است. بنا بر این کسانی که تلاش می کنند قصر را به سفر همراه با ترس منحصر کنند نه سفرهای معمولی. ظاهر آیه را گرفته و سنت پیامبر (ص) و اتفاق مسلمانان و در رأس آنها امامان اهل بیت (ع) را که رسول خدا (ص) آنها را همسنگ و همراه قرآن معرفی کرده است، رها کرده اند.

از سوی دیگر کسانی که پنداشته اند کوتاه خواندن نماز در سفر، جایز است. نه واجب. به ظاهر این قسمت از آیه که می فرماید: «فلیس علیکم جناح» تمسک کرده اند، غافل از آنکه این تعبیر، دیدگاه آنان را تأمین نمی کند؛ زیرا آیه در مقام دفع توهم حضر است؛ به این معنا که گویی مخاطب تصور کرده که قصر، نوعی ایجاد نقص در نماز است که ممنوع می باشد. از این رو آیه برای دفع چنین توهمی نازل شده است تا مسافران با طیب خاطر و آرامش، نماز را کوتاه بخوانند^{۱۵} و چنین چیزی عجیب نیست؛ زیرا نمونه آن در قرآن وجود دارد، آنجا که خداوند می فرماید:

۱۴. آلوسی در روح المعانی این قول را از ابو البقاء نقل کرده است: ج ۵، ص ۱۳۱.

۱۵. الکشاف، ج ۱، ص ۲۹۴، چاپ دارالمعرفه.

ان الصفا و المروه من شعائر الله فمن حج البيت او اعتمر فلا جناح عليه ان يطوف بهما و من تطوع خيراً فان الله شاكر عليم؛^{۱۶}

سعی صفا و مروه از نشانه های دین خداست. پس هر کس حج خانه کعبه یا اعمال مخصوص عمره را به جای آورد مانعی نیست که بر آن دو طواف کند و هر کس به راه خیر و نیکی شتابد، خدا قدر دان و عالم است.

هنگامی که مسلمانان خواستند در عمره قضا بین صفا و مروه سعی کنند، در بالای صفا و مروه بتهایی را مشاهده کردند و برایشان گران آمد که این دو کوه را دور بزنند، از این رو این آیه نازل شد که:

ان الصفا و المروه من شعائر الله؛

صفا و مروه از نشانه های دین خداست.

طبرسی می گوید:

روی صفا بتی بود که به آن «اساف» می گفتند و روی مروه نیز بتی بود که به آن «نائله» می گفتند. هنگامی که مشرکان به این بتها می رسیدند، آنها را به عنوان تبرک مسح می کردند. از این رو مسلمانان به سبب وجود این بتها از سعی بین صفا و مروه خودداری می کردند. این شد که خداوند آیه مزبور را نازل کرد. این سخن، از شعبی و بسیاری از علما نقل شده است. بنابراین منظور از اشکال نداشتن طواف این بوده که از لحاظ وجود این بتها مانع و اشکالی نیست و گرنه معلوم بوده که اصل سعی بین صفا و مروه اشکالی ندارد. همچنان که اگر فردی در جایی زندانی باشد و نماز خواندن در آن، مستلزم رو کردن به نقطه ای مانند در و غیر آن باشد که در حال نماز مکروه است و به او گفته شود: نماز خواندن در آن مکان برای تو مانعی ندارد، مسلماً عدم منع در این عبارت به اصل نماز بر نمی گردد؛ زیرا اصل نماز واجب است، بلکه عدم منع به خواندن نماز به آن جهت برمی گردد.

روایت دیگری از امام صادق(ع) نقل شده که نزول آیه در عمره قضا بوده است و جریان آن به این شرح است که رسول اکرم(ص) با مشرکین شرط کرده بود که در حال عمره اصحاب، بتها را از روی صفا و مروه بردارند. ولی عمره یکی از اصحاب به واسطه اشتغال دیگری که پیدا کرد به تأخیر افتاد به طوری که مشرکین بتها را قبل از انجام عمره به جای خود برگرداندند. در این حال از آن حضرت پرسیده شد با این که آن صحابی هنوز عمره خود را به جا نیاورده است، بت ها را به جای خود برگردانده اند، تکلیف چیست؟ در جواب این آیه نازل شد که سعی میان صفا و مروه با وجود بتها روی آن مانعی ندارد و از آن پس مردم با همان حال، سعی می کردند.^{۱۷}

همین سخن در مورد بحث ما هم صادق است؛ زیرا کوتاه خواندن نماز و تبدیل نماز چهار رکعتی به دو رکعتی از اموری است که مسلمانان تصور می کنند نوعی ترك و وظیفه واجب است و به همین دلیل، از انجام آن خودداری می کنند. در این شرایط آیه نازل می شود که: «و إذا ضربتم في الأرض فليس عليكم جناح أن تقصروا من الصلاة» یعنی: «اگر سفر کردید مانعی ندارد که نماز را کوتاه کنید». بر این اساس، آیه نه دلالت بر وجوب قصر دارد و نه بر اباحه آن، بلکه در این زمینه ساکت است.

تا اینجا روشن شد که آیه بر هیچ یک از اقوال یاد شده دلالت ندارد. بنابراین چاره ای جز رجوع به سنت نیست.

ادلة قائلین به وجوب کوتاه خواندن نماز

روایات بسیاری در صحاح و سنن و مسانید از پیامبر(ص) نقل شده که قصر واجب است و پیامبر(ص) در کلیه سفرهایش، نمازها را کوتاه می خوانده است. اینک نمونه ای از آنها را در اینجا می آوریم:

۱. مسلم از عایشه، همسر پیامبر(ص) نقل کرده است که گفت:

۱۷. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۴۰.

ابتدا نماز در سفر و حضر به صورت دو رکعت دو رکعت واجب شد، اما سپس نماز سفر به همان صورت تثبیت شد و رکعات نماز غیر مسافر اضافه شد.^{۱۸}

شوکانی گفته است:

این روایت، دلیل محکمی است بر اینکه قصر واجب است؛ زیرا اگر نماز به صورت دو رکعتی واجب شده باشد، زیادتر از دو رکعت جایز نیست، همچنانکه در حضر، بیش از چهار رکعت جایز نیست.

اما برخی که خواسته اند این روایت را طبق مذهب خود تطبیق دهند به دلایلی واهی در دلالت این روایت مناقشه کرده اند و شوکانی آنها را در کتابش ذکر کرده و ما آنها را عیناً نقل می کنیم:

الف: این حدیث از قول عایشه، مقطوع است و عایشه در زمان تشریح نماز حضور نداشته است و اگر این خبر درست بود، باید به صورت متواتر نقل می شد.

جواب: این استدلال درست نیست؛ زیرا مقتضای عدالت راوی این است که او این حدیث را مستقیماً یا به واسطه عادل دیگری از پیامبر (ص) شنیده باشد. اگر قرار باشد تنها روایاتی را از عایشه قبول کنیم که با پیامبر (ص) بوده است، بخش بزرگی از روایات او از درجه اعتبار ساقط خواهد شد؛ زیرا عایشه روایات زیادی نقل کرده که خود، شاهد آن نبوده است. در اینجا برای نمونه روایت کیفیت نزول وحی بر پیامبر (ص) را که بخاری در صحیحش به طور مفصل آن را نقل کرده است، ذکر می کنیم:

رسول خدا (ص) در هر سال یک ماه در غار حراء به سر می برد تا اینکه آن ماهی که خداوند او را به پیامبری مبعوث کرد فرا رسید. رسول خدا (ص) به غار حراء رفت و شب هنگام، جبرئیل به امر خداوند نزد او آمد. رسول خدا (ص) ماجرا را چنین توصیف می کند: من خواب بودم که جبرئیل با نوعی حریر که در آن نوشته

۱۸. شرح صحیح مسلم از نووی، ج ۵، ص ۲۰۱؛ صحیح بخاری، ج ۲، ص ۵۵، باب «یقصر إذا خرج من موضعه» از کتاب صلاة.

بود نزد من آمد، به من گفت: بخوان: گفتم: خواندن نمی‌دانم. مرا چنان فشار داد که تصور کردم جان دادم. سپس مرا رها کرد و گفت: بخوان. گفتم: خواندن نمی‌دانم. باز مرا چنان فشار داد که تصور کردم جان دادم. آنگاه مرا رها کرد و گفت: بخوان. گفتم: چه بخوانم ...^{۱۹}

همچنان که ملاحظه می‌شود، عایشه کیفیت نزول وحی بر رسول خدا(ص) را روایت کرده با این که در آن روز هنوز به دنیا نیامده بود.

ب- مراد از کلمه «فرضت» در روایت یاد شده، «قُدْرَت» یعنی «مقدر شده» می‌باشد.

ج- معنای «فرضت» این است که «برای کسی که بخواید به همان دو رکعت اکتفا کند»، آنگاه در نماز غیر مسافر دو رکعت قطعی اضافه شد و نماز مسافر به همان صورت جواز اکتفا بر دو رکعت، تثبیت شد.^{۲۰}

این تفسیر هم مخدوش است؛ زیرا خلاف ظاهر بوده و تفسیر به رأی محسوب می‌شود. تفسیر به رأی نیز نه تنها در مورد کلام خدا، بلکه در مورد کلام رسول خدا(ص) و دیگران، نیز مردود است.

۲. مسلم از عایشه روایت کرده است که:

نماز در ابتدا به صورت دو رکعتی واجب شد. سپس نماز مسافر به همان صورت دو رکعتی تثبیت و نماز غیر مسافر متمیم شد.

زهری می‌گوید: به عروه گفتم: چرا عایشه نماز را در سفر به صورت تمام می‌خوانده است؟ گفت: او همچون عثمان تأویل کرده است.^{۲۱}

به زودی در مورد کامل خواندن نماز در سفر توسط عایشه سخن خواهیم گفت.

۳. مسلم از ابن عباس روایت کرده است:

۱۹. صحیح بخاری، ج ۱، ص ۳ و ج ۳، ص ۱۷۳ در تفسیر سوره علق.

۲۰. نیل الاوطار، ج ۳، ص ۲۰۱.

۲۱. شرح صحیح مسلم، از نووی، ج ۵، ص ۲۰۱.

خداوند با زبان پیامبرتان نماز را در غیر سفر، چهار رکعت، در سفر دو رکعت و در حال ترس یک رکعت واجب کرده است.

۴. مسلم از موسی بن سلمه هذلی روایت کرده است:

از ابن عباس سؤال کردم: وقتی در مکه هستم و به جماعت نماز نمی خوانم، چگونه نماز بخوانم؟ گفت: مطابق سنت پیامبر (ص) دو رکعتی نماز بخوان.

۵. مسلم از عیسی بن حفص بن عاصم بن عمر بن خطاب از پدرش روایت کرده است که با ابن عمر در راه مکه بودم و نماز ظهر را برای ما دو رکعت خواند. او گفت:

من در سفر با رسول خدا (ص) بودم و او تا زنده بود بیشتر از دو رکعت نماز در سفر نخواند و با ابوبکر در سفر بودم او هم تا زنده بود بر دو رکعت نیفزود و با عمر بودم، او هم تا زنده بود بر دو رکعت نیفزود. آنگاه با عثمان بودم او هم تا زنده بود بر دو رکعت نیفزود و خداوند فرموده است: لقد كان لكم في رسول الله أسوة حسنة.

۶. مسلم از انس روایت کرده است:

رسول خدا (ص) نماز ظهر را در مدینه چهار رکعت خواند و نماز عصر را در ذوالحلیفه دو رکعت خواند.

۷. مسلم از یحیی بن یزید هنائی روایت کرده است:

از انس بن مالک در مورد نماز کوتاه پرسیدم. در پاسخ گفت: رسول خدا (ص) هرگاه سه میل یا سه فرسخ - تردید از شعبه است که نام او در اینجا ذکر نشده است - از مدینه خارج می شد، نمازش را کوتاه می خواند.

از ظاهر حدیث بر می آید که آغاز قصر، پس از طی سه فرسخ است، در حالی که مشهور، خلاف آن است.

نووی در شرح این حدیث (و برای رفع این تنافی) چنین گفته است:

ذکر سه میل یا فرسخ در حدیث مذکور به عنوان بیان شرط قصر نیست، بلکه ذکر این مقدار مسافت، بر حسب نیاز بوده است؛ زیرا هرگاه پیامبر (ص) در سفرهای

طولانی، نزدیک وقت نماز چهار رکعتی از شهر خارج می شدند. قبل از اینکه زیاد از شهر دور شوند. به هنگام اذان، نماز را تمام نمی خواندند و آن را کوتاه می خواندند و هنگامی که با فاصله زیادی از وقت نماز چهار رکعتی حرکت می کردند و در سه میل یا سه فرسخی شهر، وقت اذان می رسید، باز هم نماز را کوتاه می خواندند. احادیثی هم که مطلقند و نامی از مسافت و مقدار آن نبرده اند با ظاهر قرآن در جواز قصر به هنگام خروج از شهر، هماهنگ می باشند؛ زیرا مکلف به محض خروج از شهر، مسافر محسوب می شود. ۲۲

۸. مسلم از جبیر بن نفیر روایت کرده است:

با شرحیل بن سمط به روستایی که در هفده یا هجده فرسخی بود سفر کردیم. هنگام نماز، او نماز را دو رکعت خواند. دلیل را از او پرسیدم. او گفت: عمر را دیدم که در ذوالحلیفه دو رکعت نماز خواند و علت را از او پرسیدم. در پاسخ گفت: من همانگونه که دیدم رسول خدا (ص) انجام می دهد، انجام می دهم.

این حدیث دلالت دارد که رسول خدا (ص) همواره در مسافرت نماز را کوتاه می خوانده اند و اختلاف فقط در این جهت است که آیا آغاز قصر، خروج از شهر است همانگونه که عمر بر این مبنا عمل می کرده، یا پس از طی مسافت هجده فرسخ است؟ نووی گفته است:

اما این سخن جبیر که: «شرحیل در ابتدای هفده یا هجده فرسخی نمازش را کوتاه خوانده» حجیت ندارد؛ زیرا وی فردی تابعی است که مخالف جمهور صحابه عمل کرده یا باید عمل او را این گونه تأویل کرد که این حادثه در خلال سفرش بوده نه پایان سفرش و این تأویل، تأویل روشنی است. ۲۳

به هر حال موارد اختلافی خارج از چارچوب بحث ماست.

۹. مسلم از انس بن مالک روایت کرده است:

۲۲. شرح صحیح مسلم، نووی، ج ۵، ص ۲۰۷.

۲۳. شرح صحیح مسلم، نووی، ج ۵، ص ۲۰۸.

با رسول خدا(ص) از مدینه به طرف مکه خارج شدیم و پیامبر(ص) نمازها را دو رکعتی خواند تا اینکه برگشتیم . گفتم : پیامبر(ص) چه مدتی در مکه ماند؟
گفت : ده روز .

هر چند کوتاه خواندن نماز توسط پیامبر(ص) در مکه با اینکه در آنجا ده روز اقامت داشته ، با برخی مذاهب اسلامی موافق است اما با مذهب امام مالک و همچنین مذهب امامیه مخالف است ؛ زیرا قصد ده روز یکی از قواطع سفر و موجب تمام شدن نماز است . این احتمال هم وجود دارد که مدت اقامت پیامبر(ص) ، دقیقاً ده روز نبوده بلکه ده روز عرفی بوده یا مقداری از ده روز تمام ، کمتر بوده است .

آنچه تا به حال نقل شد روایاتی بود که مسلم در صحیحش نقل کرده ، اما روایاتی که دیگران نقل کرده اند :

۱۰ . ابو داود از عمران بن حصین روایت کرده است :

در جریان فتح مکه همراه رسول خدا(ص) بودم . پس از فتح مکه حضرت هجده شب در مکه اقامت کردند و به جز نماز دو رکعتی نمازی نخواندند و می فرمودند : ای مردم شهر ، شما چهار رکعت بخوانید که ما مسافر هستیم .^{۲۴}

صدور این حدیث درست است ، اما اینکه در این حدیث آمده پیامبر(ص) در مدت هجده روزی که در مکه بودند تنها نماز دو رکعتی خواندند با حدیثی که انس نقل کرد و گفت پیامبر(ص) ده روز در مکه اقامت کرد ، معارض است .

به هر حال تاکید پیامبر(ص) بر کوتاه خواندن نماز در طول اقامتش در مکه مکرمه با اینکه آن حضرت در صدد تعلیم احکام نماز برای اهل مکه بود که گروه گروه به اسلام می گراییدند ، - دلالت می کند که کوتاه خواندن واجب است و گرنه نماز را تمام می خواند ؛ زیرا تمام خواندن نماز با آموزش و تعلیم احکام تناسب بیشتری دارد و در صورت تمام خواندن نماز ، نماز امام با نماز مأمومین در کمیت و کیفیت هماهنگ می شد .

۱۱ . ابن ماجه در سنن خود از عمر نقل کرده است :

۲۴ . سنن ابی داود ، ج ۲ ، ص ۱۰ ، شماره ۱۲۲۹ ؛ و سنن ترمذی ، ج ۲ ، ص ۴۳۰ ، شماره ۵۴۵ .

نماز سفر و نماز جمعه، دو رکعت است. نماز عید فطر و عید قربان دو رکعت تمام است که قصر در آنها راه ندارد. این را پیامبر(ص) فرموده است. ۲۵

۱۲. طبرانی از ابن عباس روایت کرده است:

همانگونه که رسول خدا(ص) نماز چهار رکعتی را در حضر واجب کرده نماز دو رکعتی را در سفر واجب کرده است. ۲۶

روایات دیگری هم در کتابهای فقهی به صورت پراکنده وجود دارد که از این قرارند:

۱۳. از صفوان بن محرز نقل شده است که از عبدالله بن عمر در مورد نماز مسافر سؤال می‌کند و او در جواب می‌گوید:

نماز مسافر دو رکعت است و کسی که با سنت مخالفت کند، کفر ورزیده است. ۲۷

۱۴. از عبدالله بن عمر نقل شده است که:

رسول خدا(ص) نزد ما آمد و ما در گمراهی به سر می‌بردیم و او ما را آموزش داد. از جمله چیزهایی که به ما تعلیم داد این بود که خداوند به ما دستور داده است که در سفر دو رکعت نماز بخوانیم. ۲۸

۱۵. عمر بن عبدالعزیز گفته است:

نماز در سفر دو رکعت است و این قطعی است و غیر از نماز دو رکعتی چیزی شایسته نیست. ۲۹

۱۶. عمر بن خطاب از پیامبر(ص) نقل کرده است که:

صلاة المسافر ركعتان حتى يؤوب إلى أهله أو يموت؛ ۳۰

۲۵. سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۳۳۸، شماره ۱۰۳۶.

۲۶. نصب الرأية، ج ۲، ص ۱۸۹.

۲۷. المغنی، ج ۲، ص ۱۰۷.

۲۸. نیل الاوطار، ج ۳، ص ۲۰۴، به گفته نویسنده این کتاب این روایت را نسائی نقل کرده است.

۲۹. المغنی، ج ۲، ص ۱۰۸، المحلی، ج ۴، ص ۲۷۱.

۳۰. احکام القرآن، ج ۲، ص ۲۵۴.

- نماز مسافر دو رکعت است تا اینکه نزد خانواده اش برگردد یا بمیرد.
۱۷. از ابراهیم نقل شده است که عمر بن خطاب در مکه نماز ظهر را دو رکعت خواند. وقتی نمازش تمام شد رو به مردم کرد و گفت:
- ای مردم مکه، ما مسافر هستیم. هر یک از شما که اهل مکه است، بایستی نماز را کامل بخواند. ۴ مردم مکه نمازشان را کامل به جا آوردند. ۳۱
۱۸. از ابی کنود، عبدالله ازدی، نقل شده است:
- از ابن عمر در مورد نماز مسافر پرسیدم. در پاسخ گفت: دو رکعت است که از آسمان نازل شده است. اگر خواستید آنها را برگردانید. ۳۲
- این حدیث نشان می دهد که در این زمینه میان تابعین و صحابه نزاعی بوده است.
۱۹. از صائب بن یزید کندی نقل شده است که گفت:
- در ابتدای اسلام، نماز به صورت دو رکعتی واجب شد، آنگاه به نماز غیر مسافر اضافه شد و نماز مسافر به همان صورت باقی ماند. ۳۳
۲۰. از ابن مسعود نقل شده است:
- هر کس در سفر چهار رکعت نماز بخواند، بایستی نمازش را اعاده کند. ۳۴
۲۱. از سلمان نقل شده است که گفت:
- نماز به صورت دو رکعتی واجب شد و رسول خدا (ص) به همان صورت در مکه نماز خواند تا اینکه به مدینه آمد و در آنجا به نماز غیر مسافر دو رکعت اضافه شد و نماز مسافر به همان صورت اولیه باقی ماند. ۳۵
۲۲. از جعفر بن عمر نقل شده است:

۳۱. الآثار، ص ۳۰ و ۷۵، ابویوسف؛ الغدیر، ج ۸، ص ۱۱۳.

۳۲. مجمع الزوائد، ج ۲، ص ۱۵۴. صاحب این کتاب گفته که رجال این حدیث، موثق هستند.

۳۳. مجمع الزوائد، ج ۲، ص ۱۵۵، نظیر این روایت، روایت عایشه است که پیشتر ذکر شد.

۳۴. همان.

۳۵. همان، ص ۱۵۶.

ما چهل نفر از انصار بودیم که انس بن مالک ما را به شام نزد عبدالملک برد تا سهمی از بیت المال برای ما مقرر کند. به هنگام برگشت، در فج الناقه بودیم و او نماز ظهر را با ما دو رکعت خواند، آنگاه به چادر خود رفت. مردم به آن دو رکعت، دو رکعت دیگر اضافه کردند. انس گفت: خدا صورتهای شما را زشت گرداند! به خدا سوگند نه سنت عمل شد و نه رخصت پذیرفته شد. گواهی می‌دهم من از رسول خدا(ص) شنیدم که می‌گفت:

ان اقواماً يتعمقون في الدين يمرق كما يمرق السهم من الرمية؛

گروههایی که در دین زیاد کاوش می‌کنند همچون خروج تیر از کمان از دین خارج می‌شوند. ۳۶

۲۳. از ثمامة بن شراحیل نقل شده است که گفت:

نزد عمر رفتم و گفتم نماز مسافر چیست؟ گفت: به صورت دو رکعتی، مگر نماز مغرب که سه رکعت است ... ۳۷

۲۴. از ابو هریره روایت شده است که گفت:

ای مردم! خداوند عزوجل بر زبان پیامبرتان(ص) نماز را در حضر، چهار رکعت واجب کرده است. ۳۸

۲۵. از ابن حرب روایت شده است که گفت:

از ابن عمر، پرسیدم: نماز در سفر چگونه است؟ گفت: اگر از سنت پیامبرتان پیروی می‌کنید به شما بگویم ولی اگر متابعت نمی‌کنید، نگویم؟ گفتیم: سنت پیامبر(ص) بهترین چیزی است که از آن پیروی می‌شود. گفت: وقتی پیامبر(ص) از مدینه بیرون می‌رفتند، بیش از دو رکعت نمی‌خواندند تا اینکه برگردند. ۳۹

۲۶. از سعید بن مسیب نقل شده است که پیامبر(ص) فرمود:

۳۶. الامام احمد، المستند، ج ۳، ص ۱۵۹؛ مجمع الزوائد، ج ۲، ص ۱۵۵.

۳۷. همان، ج ۲، ص ۱۵۴.

۳۸. همان، ج ۲، ص ۴۰۰.

۳۹. همان، ج ۲، ص ۱۲۴؛ المغنی، ج ۲، ص ۱۱۱.

خیارکم من قصر فی السفر و افطر؛^{۴۰}

بهترین شما کسی است که در سفر نماز را کوتاه بخواند و روزه نگیرد.

اینها روایاتی بود که از پیامبر (ص) و اصحاب او و تابعین به دست ما رسیده است و گروهی از اصحاب و غیر اصحاب هم به آنها عمل کرده اند. از جمله کسانی که به این روایات عمل کردند عبارتند از: عمر بن خطاب، عبدالله بن عمر، ابن عباس، جابر، جبیر بن مطعم، حسن، قاضی اسماعیل، حماد بن ابی سلیمان، عمر بن عبدالعزیز، قتاده و فقهای کوفه^{۴۱} می توان اتفاق امامان اهل بیت (ع) و فقهای شیعه از زمان امیر المؤمنین (ع) تا به امروز را نیز به آنان افزود.

با توجه به این روایات آیا جایی برای این پرسش باقی می ماند که کوتاه خواندن نماز در سفر جایز است یا واجب؟ اگر تمام خواندن نماز در سفر جایز بود قطعاً رسول خدا (ص) بیان می کردند و یا دست کم همچون سایر موارد برای نشان دادن جواز آن برای یکبار هم که شده در طول عمرشان آن را انجام می دادند.

مسلم در صحیحش حدیثی از بریده این چنین روایت کرده است که:

پیامبر (ص) برای هر نمازی وضو می گرفت اما در روز فتح مکه تمامی نمازها را با یک وضو خواند. عمر به او گفت: کاری انجام می دادی که پیش تر چنین نمی کردی؟ حضرت فرمود: «این کار را عمداً انجام دادم» یعنی برای بیان جواز آن.^{۴۲}

اگر در این زمینه ترخیصی از جانب پیامبر (ص) وجود داشت نبایستی بر بزرگان اصحاب مخفی می ماند و آنان کسانی که نماز را تمام می خواندند نکوهش نمی کردند. با توجه به این مطالب، ارزش سخن کسانی که عمل افرادی که نماز در سفر را تمام خوانده اند، توجیه کرده و گفته اند که مسأله اتمام نماز یا قصر آن در سفر، مسأله ای

۴۰. المغنی، ج ۲، ص ۱۱۱.

۴۱. قرطبی، الجامع لاحکام القرآن، ج ۵، ص ۳۵۱.

۴۲. صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۲۲؛ نیل الاوطار، ج ۱، ص ۲۵۸.

۴۲
سال ۱۳۹۲
شماره ۵۲

اجتهادی است که علما در آن اختلاف نظر دارند، روشن می‌شود. ۴۳

کوتاه خواندن نماز در منی

روایات بسیاری وجود دارد که نشان می‌دهد رسول خدا(ص) و خلفای بعد از او و حتی عثمان در چندین سال آغاز خلافتش، نماز را بدون استثنا در منی کوتاه می‌خوانده‌اند. هنگامی هم که عثمان پس از گذشت هشت سال از خلافتش، نماز را در منی تمام خواند، علیه او هیاهو شد و وقتی عبدالله بن مسعود شنید که خلیفه نمازش را در منی تمام خوانده است، گفت: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ». این عبارت تنها در جایی گفته می‌شود که مصیبت بزرگی روی داده باشد و این نشان می‌دهد که عبدالله بن مسعود عمل عثمان را به عنوان مصیبتی بزرگ در دین تلقی کرده بوده.

کسی که این روایات را که آنها را نقل خواهیم کرد ملاحظه کند، اعتراف می‌کند که تلقی صحابه این بوده است که کوتاه خواندن نماز در سفر واجب و تمام خواندن آن، مشروع نیست و گرنه چنانچه قصر جایز و یا مستحب بود، نبایستی خشم صحابه و تابعین علیه عثمان برانگیخته می‌شد.

۲۷. مسلم در صحیحش از سالم بن عبدالله از پدرش از رسول خدا(ص) روایت کرده است:

رسول خدا(ص) نمازش را در منی و غیر منی همچون نماز مسافر، دو رکعت خواند. ابوبکر و عمر نیز اینچنین نماز خواندند. عثمان نیز در آغاز خلافتش چنین کرد اما بعدها نماز را چهار رکعتی تمام خواند. ۴۴

۲۸. مسلم از عبدالله بن عمر روایت کرده است که گفت:

رسول خدا(ص) در منی نمازش را دو رکعت خواند و ابوبکر بعد از او و عمر بعد از

۴۳. محب الدین طبری، الرياض النضرة، ج ۲، ص ۲۵۱.

۴۴. شرح نووی بر صحیح مسلم، ج ۵، ص ۲۰۹، باب قصر الصلاة یعنی، از کتاب نماز مسافر و قصر آن.

ابوبکر و عثمان در آغاز خلافتش چنین کردند. اما بعدها عثمان نمازش را در منی چهار رکعتی خواند و چنین بود که ابن عمر هرگاه در منی نماز را با امام جماعت می خواند، چهار رکعت می خواند و هرگاه فرادا می خواند، دو رکعت می خواند. ۴۵

پس از این خواهیم گفت که ابن عمر نمازهایی را که با جماعت خوانده بود در خانه اش اعاده می کرد.

۲۹. مسلم از حفص بن عاصم از ابن عمر روایت کرده است:

پیامبر (ص) و ابوبکر و عمر و عثمان در هشت یا شش سال آغاز خلافتش در منی نماز شان را به صورت نماز مسافر خواندند.

حفص می گوید: ابن عمر در منی دو رکعت نماز می خواند، آنگاه به رختخواب خود می رفت. گفتم: ای کاش دو رکعت دیگر به آن اضافه می کردی؟ گفت: اگر این کار را کنم نماز تمام خواهد بود. ۴۶

۳۰. مسلم از حارث بن وهب خزاعی نقل کرده است که:

در منی پشت سر رسول خدا (ص) نماز خواندم و مردم بیشترین تعداد بودند و رسول خدا (ص) دو رکعت نماز خواند. ۴۷

۳۱. مسلم از عبدالرحمن بن یزید نقل کرده است که:

نماز را در منی با عثمان چهار رکعت خواندیم. کسی این مطلب را برای عبدالله بن مسعود نقل کرد و او استرجاع کرد و گفت: ما با رسول خدا (ص) در منی دو رکعت خواندیم و با ابوبکر صدیق در منی دو رکعت خواندیم و با عمر بن خطاب در منی دو رکعت خواندیم. ای کاش بهره من از چهار رکعت دو رکعت مقبول بود. ۴۸

۴۵. همان.

۴۶. همان.

۴۷. همان.

۴۸. صحیح بخاری، ج ۲، ص ۵۳، باب ماجاء في التقصير؛ شرح نووی بر صحیح مسلم، ج ۵، ص ۲۰۹، باب قصر الصلاة بمنی.

نووی پس از جمله اخیر حدیث مذکور می گوید:

معنای این عبارت این است که ای کاش عثمان به جای چهار رکعت، دو رکعت می خواند همچنانکه پیامبر (ص)، ابوبکر، عمر و عثمان در آغاز خلافتش، چنین کردند.

و از آنجا که روایت صراحت دارد که تلقی عبدالله بن مسعود از عمل پیامبر (ص) این بوده که کوتاه خواندن نماز واجب است و به همین دلیل استرجاع می کند و به دنبال آن می گوید: کاش بهره من از چهار رکعت، دو رکعت مقبول بود، نووی و دیگران تلاش کرده اند تا این روایت را تأویل کنند و از شدت آن بکاهند و چنین گفته اند:

مقصود ابن مسعود این بوده است که مخالفت کردن با روش رسول خدا (ص) و دو خلیفه بعد از او کراهت دارد. با این حساب ابن مسعود - رضی الله عنه - با جواز اتمام موافق است و از این رو نماز را با عثمان، تمام خوانده است و چنانچه از نظر او کوتاه خواندن نماز واجب بود، ترك آن به هنگام اقتدا کردن به دیگری، جایز نمی بود.

پوشیده نیست که سخن مذکور معقول به نظر نمی رسد؛ زیرا اگر عمل خلیفه مشروع بود و شارع آن را امضا و پیامبر (ص) آن را ابلاغ کرده بود، اما پیامبر (ص) از میان دو طرف تخییر، طرف افضل را اختیار کرده و طرف دیگر را نفی نکرده بود، استرجاع و آرزوی ابن مسعود معنا نداشت. علاوه بر این، آنچه به عبدالله بن مسعود نسبت داده شده که وی در سفر به هنگام اقتدا کردن به عثمان، نمازش را تمام خوانده است، صرفاً جنبه سیاسی داشته و علیرغم عقیده شخص مبنی بر وجوب قصر و جهت هماهنگی با عثمان بوده است. اعمش گفته است:

معاویه بن قره از مشایخش روایت کرده است که عبدالله، چهار رکعت خواند. به او گفته شد: بر عثمان عیبجویی می کنی آن وقت خودت چهار رکعت

می خوانی؟ در پاسخ گفت: اختلاف، ناپسند است. ۴۹

از این سخن، وضع عبدالله بن عمر نیز روشن می شود. ابن حزم گفته است:

از طریق عبدالرزاق از عبدالله بن عمر و از نافع از ابن عمر روایتی به ما رسیده است که او هرگاه نمازش را در منی به جماعت می خواند، چهار رکعت می خواند و هنگامی که به خانه می رفت آن را به صورت دو رکعتی اعاده می کرد.^{۵۰}

این افراد، برای دفع شر، رعایت شئون سیاسی را لازم می دانستند و از نظر آنان رعایت مسائل سیاسی بر حفظ احکام - آن گونه که از طرف خداوند نازل شده - اولویت داشت. ولی بعضی از صحابه این نظر را نداشته اند، علی (ع) علیرغم اصرار عثمان و بنی امیه که به او گفتند بایستی با تو نماز بخوانیم، از خواندن نماز در منی به صورت چهار رکعتی خودداری کرد و گفت:

ان شئتم صلیت لکم صلاة رسول الله (ص)؛ اگر بخواهید مانند نماز رسول خدا (ص) با شما نماز می خوانم (یعنی دو رکعت).

آنها گفتند: نه، مگر مانند نماز امیرالمؤمنین - که مرادشان عثمان بود - به صورت چهار رکعتی بخوانی. امام علی (ع) امتناع کرد.^{۵۱}

بنی امیه از بدعتی که عثمان در مقابل سنت پیامبر (ص) بنا نهاد، سیره ای همیشگی اتخاذ کردند، هر چند عذر شرعی برای تمام خواندن نماز نداشتند. امام احمد با سند خویش از عبدالله بن زبیر روایت کرده است که:

هنگامی که معاویه به قصد حج نزد ما آمد همراه او به مکه رفتیم. در آن جا نماز ظهر را با ما دو رکعتی خواند و آنگاه به دار الندوه رفت. در آن جا مروان بن حکم و عمر بن عثمان به سوی او شتافتند و به او گفتند: هیچ کس مانند تو، پسر عمویت (عثمان) را سرزنش نکرد. معاویه به آنها گفت: چگونه چنین کاری کردم؟ گفتند: آیا نمی دانی که او در مکه نماز را تمام می خواند؟ گفت: وای بر شما آیا او غیر از آنچه من انجام دادم، عمل می کرد؟ من با رسول خدا (ص) و

۵۰. المحلی، ج ۴، ص ۲۷۰.

۵۱. در نسخه چاپی به غلط به جای علی (ع)، عثمان آمده است؛ المحلی، ج ۴، ص ۲۷۰.

ابوبکر و عمر دو رکعت می خواندم. گفتند: پسر عمویت نمازش را تمام می خواند و مخالفت تو با او، برای او عیب محسوب می شود. معاویه پس از شنیدن این سخنان برای نماز عصر از خانه خارج شد و نماز عصر را با ما چهار رکعت خواند. ۵۲

تا اینجا روایاتی را که نشان می داد کوتاه خواندن نماز در سفر واجب است و تمام خواندن آن، موضوعی است که پس از رحلت رسول خدا(ص) مطرح شده است، پایان یافت. این بدعت یا از روی اجتهاد بوده و یا به پیروی از مصالح مقطعی که در هر صورت شخص فقیه چاره ای جز خضوع و فروتنی در مقابل روش پیامبر(ص) و این روایات ندارد. البته بر ما لازم است که ادله قول کسانی که معتقدند کوتاه خواندن نماز جایز و یا مستحب مؤکد است نه واجب را طرح کنیم، هر چند که این ادله در نهایت ضعف و سستی است و فقهی که کاملاً بر استنباط احکام تواناست، نباید به آنها استناد کند.

ادله قائلان به جواز و رخصت

قائلان به رخصت و جواز به قرآن و ادله دیگری استدلال کرده اند که به ترتیب آنها را ذکر می کنیم:

در مورد دلیل قرآنی پیشتر گفتیم که آیه یاد شده دلالتی بر رخصت یا وجوب نمی کند بلکه این آیه در صدد رفع توهم حظر(منع) است؛ زیرا این توهم وجود داشته که کوتاه خواندن نماز، موجب نقص در نماز می شود. از این رو خداوند می فرماید: «لا جناح علیکم ان تقصروا من الصلاة»، یعنی: «اگر نماز را کوتاه خواندید باکی نیست» و این سخن چگونه دلالت می کند که کوتاه خواندن نماز در سفر جایز است(و نه واجب) بنابراین، آیه مزبور دلالتی بر جواز یا وجوب ندارد. اما مهم روایاتی است که در این زمینه نقل شده است:

۱. مسلم از یعلی بن امیه نقل کرده است که:

از عمر بن خطاب در مورد آیه: «فلیس علیکم جناح ان تقصروا من الصلاة ان

یفتنکم الذین کفروا» پرسیدم، گفت: از تعجب تو در شگفتم؛ زیرا همین مساله را از رسول خدا(ص) پرسیدم و او در پاسخ فرمود: «صدقه من الله بها علیکم فاقبلوا صدقته». ۵۳ یعنی کوتاه خواندن نماز در سفر صدقه ای است که خدا با آن بر شما منت گذاشته است، پس صدقه او را قبول کنید.

کیفیت دلالت روایت فوق بر رخصت این است که قبول صدقه از طرف کسی که به او صدقه داده شده، واجب نیست.

شوکانی از این استدلال چنین پاسخ داده است:

امر به قبول صدقه نشان می دهد که چاره ای از قبول صدقه نیست و مطلوب ما هم همین است. ۵۴

شوکانی می توانست از این استدلال به طریق دیگری نیز پاسخ بدهد و بگوید: مقایسه کردن صدقه و هدیه خدا با صدقات مردم، قیاس مع الفارق است؛ زیرا اگر صدقه دهنده انسان باشد، بر صدقه گیرنده واجب نیست که صدقه و هدیه او را قبول کند. اما اگر صدقه دهنده خدا باشد، قبول صدقه واجب است؛ زیرا صدقه خدا، امری امتنانی است و منت خدا گزاف نیست، بلکه ناشی از حکمت بالغه اوست. بنابراین از آنجا که خداوند می داند مصالح ذاتی بشر مقتضی چنین امتنانی است، قبول آن از طرف مردم امری واجب است. از برخی روایات اهل بیت(ع) هم استظهار می شود که رد صدقه خدا حرام است؛ مثلاً امام صادق(ع) فرموده است:

قال رسول الله: ان الله عزوجل تصدق علی مرضی امتی و مسافریها بالتقصیر و الافطار، ایسر احدکم إذا تصدق بصدقه ان ترد علیه؛ ۵۵

خداوند عزوجل بر بیماران و مسافران امت من، کوتاه خواندن نماز و افطار کردن روزه را هدیه کرده است. آیا کسی از شما هست که چنانچه هدیه اش پس داده شود، خوشحال شود؟!؟

۵۳. شرح نووی بر صحیح مسلم، ج ۵، ص ۲۰۳، شماره ۴.

۵۴. نیل الاوطار، ج ۳، ص ۲۰۱.

۵۵. وسائل الشیه، ج ۱، ص ۱۷۵.

رد هدیه و صدقه نوعی اهانت به صدقه دهنده است، قصر و افطار برای مسافر و مریض گویا بخششی از جانب خداوند است که نپذیرفتن آن نوعی اهانت به تشریح الهی است.

۲. دارقطنی و بیهقی از عبدالرحمن بن اسود از عایشه روایتی نقل کرده اند که بنا بر نقل دارقطنی چنین است:

به قصد عمره ماه رمضان با پیامبر(ص) از مدینه خارج شدیم. او روزه را افطار کرد و من روزه گرفتم، او نماز را کوتاه خواند و من تمام خواندم. عرض کردم: ای رسول خدا پدر و مادرم فدایت، شما روزه را افطار کردید و من روزه گرفتم، شما نماز را کوتاه خواندید و من تمام خواندم؟ فرمود: کار خوبی کردی. ۵۶

شوکانی گفته است:

این روایت را نسائی و بیهقی نیز با عبارتی اضافی اینچنین نقل کرده اند: عایشه با رسول خدا(ص) به قصد عمره از مدینه خارج شد. وقتی به مکه رسیدند عایشه گفت: ای رسول خدا(ص) پدر و مادرم فدایت من نماز را تمام خواندم در حالی که شما کوتاه خواندید ...

به هر حال، استدلال به این روایت اولاً به صحت سند و ثانیاً به امکان تمسک به مضمون آن، بستگی دارد، اما سند روایت مخدوش است؛ زیرا در آن علاء بن زهیر از عبدالرحمن بن اسود بن یزید نخعی از عایشه وجود دارد که ابن حبان گفته است: او روایاتی را از ثقات نقل می کند که شبیه روایاتی که ثقات درجه یک نقل می کنند نیست. بر این اساس در مواردی که روایات او با روایات ثقات درجه یک معارض است نمی توان به آنها استدلال کرد. دارقطنی گفته است:

این سند درست است و عبدالرحمن، عایشه را درك کرده و با پدرش در نوجوانی نزد او رفته و از او حدیث شنیده است. ۵۷

۵۶. سنن دارقطنی، ج ۲، ص ۱۸۸؛ السنن الکبری، ج ۳، ص ۱۴۲.

۵۷. سنن دارقطنی، ج ۲، ص ۱۸۸، شماره ۴۰.

امّا ابو حاتم گفته است :

عبدالرحمن در حالی بر عایشه وارد شد که کودک بود و روایتی از او نشنیده است .

با توجه به اختلافی که در مورد عبدالرحمن است ، چگونه می توان به سخن او که معلوم نیست حدیثی از عایشه شنیده باشد ، استناد کرد؟ بر فرض که او از عایشه روایتی هم شنیده باشد ، امّا در حال کودکی یا نوجوانی بوده است . به همین دلیل دار قطنی در «العلل» احتمال داده که این روایت مرسل باشد . این مطلب را شوکانی در «نیل الاوطار» از دار قطنی نقل کرده است . ۵۸

آنچه مساله را مشکل تر می کند این است که دار قطنی یک بار این حدیث را از عبدالرحمن از پدرش از عایشه نقل می کند و بار دیگر ، از عبدالرحمن از عایشه . ۵۹
بیهقی از ابوبکر نیشابوری نقل کرده که هر کس گفته عبدالرحمن این حدیث را از پدرش نقل کرده ، اشتباه کرده است . ۶۰

آنچه گفته شد در مورد سند حدیث بود ، اما به مضمون این حدیث نیز نمی توان استناد کرد ؛ زیرا : اولاً : در حدیث عایشه چنین آمده است که : با رسول خدا(ص) به قصد عمره رمضان از مدینه خارج شدیم . . . تا آخر حدیث . این مطلب با تاریخ قطعی زندگی رسول خدا(ص) مخالف است ؛ زیرا در سیره حلبی آمده است :

بدون شک پیامبر(ص) بیش از چهار عمره انجام نداد و تمامی عمره های او در ماه ذی قعدة بود ، بر خلاف مشرکین که با انجام عمره در ماههای حج موافق نبودند می پنداشتند که این کار از بزرگترین گناهان است . اوّلین عمره پیامبر(ص) عمره حدیبيه بود که در ماه ذیقعدة انجام گرفت و مشرکان مانع ورود او به خانه خدا شدند . دومین عمره او در سال بعد بود که به عمره قضاء معروف است و در ماه

۵۸ . نیل الاوطار ، ج ۳ ، ص ۲۰۲ .

۵۹ . سنن دار قطنی ، ج ۲ ، ص ۱۸۸ ، شماره ۳۹ و ۴۰ .

۶۰ . السنن الکبری ، ج ۳ ، ص ۱۴۲ .

ذیقعه بود. سومین عمره او هنگام تقسیم غنائم جنگ حنین و جعرانه و در ماه ذیقعه اتفاق افتاد. چهارمین عمره اونیز در جریان حجة الوداع بود که پیامبر(ص) پنج روز مانده به ماه ذیحجه احرام بست. عایشه در مورد عمره های پیامبر(ص) گفته است: پیامبر به جز عمره ای که با حجة الوداع مقرون بود، سه بار عمره به جا آورد. ۶۱

بر این اساس چگونه ممکن است به مضمون این حدیث تمسک کرد با این که پیامبر(ص) با همسرش هیچ گونه عمره ای در ماه رمضان انجام نداده است؟ در «البدر المنیر» آمده است:

در متن این حدیث نکته مجهولی وجود دارد و آن خروج عایشه با پیامبر به قصد انجام عمره رمضان از مدینه است، در حالی که مشهور این است که پیامبر(ص) به جز چهار عمره، عمره ای انجام نداده است و هیچ یک از آنها در ماه رمضان نبوده است، بلکه تمامی آنها به جز عمره ای که با حج انجام داده در ماه ذیقعه بوده است. آن عمره نیز احرامش در ماه ذیقعه بوده و اعمال آن در ماه ذیحجه انجام شده است. در صحیح بخاری و صحیح مسلم و غیر این دو کتاب نیز همین مطلب آمده است. ۶۲

ثانیاً: چگونه ممکن است عایشه نماز را تمام بخواند و روزه بگیرد و پیامبر(ص) و اصحاب، نماز را کوتاه خواندند و روزه را افطار کردند، در حالی که عمل عایشه تنها در یک روز اتفاق نیفتاده است، بلکه مطابق آنچه روایت شده این اعمال در طی روزهایی که از مدینه منوره به سمت مکه مشرفه در حرکت بودند انجام می شده و کاروان ها مسیر بین این دو شهر را حدود ده روز طی می کرده اند. آیا معقول است که ام المؤمنین در مقابل دیدگان پیامبر(ص) و اصحاب با آنها مخالفت کند؟ به همین دلیل ابن تیمیه گفته است:

این حدیث، دروغی است که بر عایشه بسته شده است. عایشه هیچ گاه در حالی

۶۱. السیرة الحلیبة، ج ۳، ص ۳۴۰-۳۴۱.

۶۲. نیل الاوطار، ج ۳، ص ۲۰۲ به نقل از بدر المنیر.

که می دیده پیامبر (ص) و اصحاب نماز را کوتاه می خوانند، بدون دلیل بر خلاف آنها عمل نمی کرده و نماز را تمام نمی خوانده است.

چگونه ممکن است او چنین کاری کرده باشد در حالی که خود می گوید: نماز در ابتدا دو رکعتی تشریح شد اما سپس به نماز غیر مسافر اضافه شد و نماز مسافر به همان صورت ماند؟ چگونه ممکن است تصور کرد که او بر آنچه خدا واجب کرده است بیفزاید و با رسول خدا(ص) و اصحاب او مخالفت کند؟^{۶۳}

۳. دارقطنی از محمد بن منصور بن ابی جهم از نصرین علی از عبداللّه بن داود از مغیره بن زیاد موصلی از عطاء از عایشه نقل کرده است که:

رسول خدا در مسافرتهايش گاهي نمازها را تمام و گاهي کوتاه می خوانده است.

دارقطنی پس از نقل این حدیث می گوید: مغیره بن زیاد موصلی، راوی قوی ای نیست. ^{۶۴}

۴. ابوداود طیالسی از یونس از ابوداود از طلحه روایت کرده است:

از عطا شنیدم که از عایشه چنین نقل کرد: تمام اینها را رسول خدا(ص) در سفر انجام می داد. روزه می گرفت و افطار می کرد. ^{۶۵}

این حدیث را دارقطنی با همین سند با اختلاف اندکی در متن نقل کرده است. آنگاه پس از نقل حدیث گفته: طلحه ضعیف است. ^{۶۶}

بررسی این دو روایت:

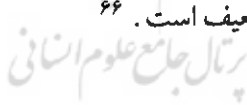
به سند این دو روایت نمی توان استناد کرد؛ زیرا مغیره قوی نیست و طلحه ضعیف است. بر فرض صحت سند، این دو روایت تاب مقاومت در مقابل روایات بسیاری ندارد

۶۳. ابن قیّم الجوزیه، زادالمعاد، ج ۱، ص ۱۶۱. این مطلب را شوکانی نیز در نیل الاوطار، ج ۳، ص ۲۰۳، نقل کرده است.

۶۴. سنن دارقطنی، ج ۲، ص ۱۸۹.

۶۵. مسند طیالسی، ج ۶، ص ۶۰۹، چ مکه مکرمه.

۶۶. سنن دارقطنی، ج ۲، ص ۱۸۹.



که نشان می دهند پیامبر(ص) عملاً و قولاً وظیفه مسافر را منحصر در قصر و افطار می دانسته است، همچنان که تاب مقاومت در مقابل روایات بسیاری که از صحابه نقل کردیم که پیامبر(ص) در طول عمرش، نمازها را در سفر کوتاه می خوانده است، ندارند.

آنچه گفتیم در مورد سند این دو روایت بود اما در مورد دلالت آنها باید گفت: دلالت این دو روایت نیز تمام نیست؛ زیرا عایشه عمل پیامبر(ص) را نقل می کند که نمازش را تمام خوانده است. اما احتمال دارد که تمام خواندن نماز توسط پیامبر(ص) در صورتی بوده که شرایط قصر وجود نداشته است. در جای خود ثابت شده است که تا وقتی که علت کار معصوم معلوم نیست، نمی توان به آن استناد کرد و علت عمل پیامبر(ص) در این دو روایت مجمل است؛ زیرا ممکن است تمام خواندن او به سبب جواز این کار در سفر بوده و ممکن است به سبب موجود نبودن شرایط قصر بوده باشد.

ابن حزم در «المحلی» سخن جامعی در مورد این روایات دارد که آن را نقل می کنیم:

اما آن روایتی که طریقهش عبدالرحمن بن اسود است، تنها توسط علاء بن زهیر از دی نقل شده که مجهول است و کس دیگری هم آن را نقل نکرده است. حدیث عطاء نیز تنها توسط مغیره بن زیاد نقل شده و کسی غیر از او آن را نقل نکرده و این فرد هم کسی است که احمد بن حنبل در مورد او گفته: ضعیف است و هر حدیثی که او آن را نقل کرده غیر قابل قبول است.

۵. نووی در شرحش بر صحیح مسلم روایت می کند:

صحابه - رضی الله عنهم - که با رسول خدا(ص) مسافرت می کردند، برخی نماز را کوتاه می خواندند و برخی دیگر تمام، برخی روزه می گرفتند و برخی دیگر روزه نمی گرفتند و بر یکدیگر هم عیب نمی گرفتند. ^{۶۷}

ابن قدامه از انس نقل کرده است:

ما، اصحاب رسول خدا(ص) مسافرت می کردیم و در سفر، برخی نماز را تمام

۶۷. شرح صحیح مسلم از نووی، ج ۵، ص ۲۰۱، کتاب «صلاة المسافرين وقصرها».

می خوانندیم و برخی دیگر کوتاه می خواندند. برخی روزه می گرفتیم و برخی دیگر روزه نمی گرفتیم و کسی هم بر دیگری عیب نمی گرفت.

ابن قدامه سپس می گوید:

پس اجماع صحابه - رحمهم الله - بر رخصت است، به دلیل اینکه از میان آنها کسانی نماز را تمام می خواندند و دیگران به شهادت حدیث انس، این عمل را بد نمی دانستند. ۶۸

شوکانی گفته است:

دلیل سوم بر جواز تمام خواندن نماز در سفر، روایتی است که در صحیح مسلم و غیر آن وجود دارد که مضمون آنها این است که صحابه با رسول خدا (ص) مسافرت می کردند و برخی نمازشان را کوتاه می خواندند و برخی دیگر تمام، برخی روزه می گرفتند و برخی روزه نمی گرفتند و کسی هم بر دیگری عیب نمی گرفت. ۶۹

بررسی روایت:

مسلم در باب جواز روزه گرفتن و افطار کردن مسافر در ماه رمضان هفت روایت از ابوسعید خدری و جابر بن عبدالله انصاری و انس بن مالک نقل کرده است که در هیچ یک از آنها سخنی از قصر یا اتمام نماز نیامده است، بلکه تمامی این روایات از روزه و افطار سخن گفته اند و منبع روایتی که به انس نسبت داده شده که «برخی نماز را کوتاه می خواندند و برخی دیگر تمام» معلوم نیست. ۷۰ اینک یک نمونه از روایات مسلم را نقل می کنیم:

۶۸. المغنی، ج ۲، ص ۱۰۹.

۶۹. نیل الاوطار، ج ۳، ص ۲۰۱، ۲۰۲، این حدیث را نووی در شرحش بر صحیح مسلم نقل کرده است.

۷۰. ر. ک: شرح نووی بر صحیح مسلم، ج ۷، ص ۲۳۷ باب جواز الصوم و الفطر فی شهر رمضان للمسافر، حدیث ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹؛ همچنین ر. ک: صحیح مسلم، ج ۳، ص ۱۴۳، باب جواز الصوم و الفطر فی شهر رمضان للمسافر از کتاب صوم.

از انس در مورد روزهٔ مسافر در ماه رمضان پرسیده شد، گفت:

با رسول خدا(ص) در ماه رمضان مسافرت کردیم و در این سفر کسانی که روزه می گرفتند و کسانی که روزه نمی گرفتند بر یکدیگر عیب نمی گرفتند.

شوکانی گفته است:

ما در صحیح مسلم این سخن را نیافتیم که: «برخی نماز را کوتاه خواندند و برخی تمام» و در صحیح مسلم جز احادیث مرتبط با روزه گرفتن و افطار کردن، حدیث دیگری وجود ندارد. ۷۱

بر فرض روایتی که به صحیح مسلم نسبت داده شده، راست باشد، اما از کجا معلوم که پیامبر(ص) بر عمل آنان آگاه شده و آن را امضا کرده است تا اینکه امضا و سکوت پیامبر(ص) بر ما حجت باشد؟ تا زمانی که عمل صحابه به قول و عمل پیامبر(ص) مستند نباشد، به تنهایی برای ما حجت نیست.

شوکانی می گوید:

اجماع صحابه در عصر پیامبر(ص) حجت نیست و اختلاف صحابه بعد از پیامبر(ص) در این زمینه مشهور است. ۷۲

تا اینجا معلوم شد که آنچه به عنوان دلیل جواز اتمام نماز در سفر نقل شده، سرایی بیش نیست و نمی توان به آنها در قبال روایات و احادیث زیادی که به طرق مختلف نقل شده و به صحابه منتهی می شود، استناد کرد.

تنها چیزی که باقی می ماند، تمسک برخی به عمل بعضی از صحابه است که این را نیز بررسی می کنیم:

استدلال به عمل عثمان و عایشه

ممکن است برای جواز تمام خواندن نماز در سفر به عمل عثمان که در مکه و منی

۷۱. نیل الاوطار، ج ۳، ص ۲۰۲.

۷۲. همان.

نمازش را تمام خواند استناد شود با این که عثمان ساکن مدینه بود و به قصد سفر از مدینه خارج شده و به مکه آمده بود.

اما این احتجاج درست نیست؛ زیرا عمل صحابی مادامی که به حدیث صحیحی از رسول خدا (ص) مستند نباشد، حجت نیست؛ زیرا تنها عمل معصوم حجت است نه عمل دیگران. علاوه بر این، عمل عثمان موجب شد که هیاهویی علیه او بر پا شود و عده زیادی از صحابه آن را محکوم کنند، تا جایی که عبدالله بن مسعود گفت: «إِنَّا لِلَّهِ وَأَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ». مسلم از زهری از عروة از عایشه روایتی نقل می کند که نشان می دهد عثمان بدون دلیل موجه، نمازش را تمام می خوانده است:

زهری می گوید:

به عروه گفتم: چرا عایشه نمازش را در سفر تمام خواند؟ گفت: او همانند

عثمان، تأویل می کرد. ۷۳

این روایت را ابن حزم در «المحلی» نقل کرده و گفته است:

زهری گفت: به عروه گفتم: با اینکه عایشه می دانست خداوند نماز را در سفر

دو رکعت دو رکعت واجب کرده، چرا نمازش را در سفر تمام خواند؟ پاسخ

داد: عایشه این کار را همانند عثمان که در منی نماز را تمام خواند، تأویل

می کرد. ۷۴

بنابراین اگر عثمان برای جواز تمام خواندن نماز در سفر دلیلی داشت، مسلماً به آن

استناد می کرد و به تأویل پناه نمی برد. این نشان می دهد که کوتاه خواندن نماز در سفر

متعین است، اما عثمان به دلیلی خاص که خودش می داند نمازش را تمام خواند. برخی از

کسانی که تلاش کرده اند عمل خلیفه و ام المؤمنین را توجیه کنند برای کار آنها عذرهایی

تراشیده اند. نوری گفته است: «علما در تأویلی که عثمان و عایشه داشته اند اختلاف نظر

دارند:

۷۳. شرح صحیح مسلم، ج ۵، ص ۲۰۲، کتاب صلاة المسافرين.

۷۴. المحلی، ج ۴، ص ۲۷۰.

از نگاه محققان، نظر صحیح این است که به اعتقاد عثمان و عایشه قصر و اتمام جایز بوده است؛ از این رو به اتمام که یکی از دو طرف جواز است، عمل کرده اند.

اما این سخن، تأویل محسوب نمی شود؛ زیرا اگر دلیلی برای جواز اتمام وجود داشت، بایستی بدون هیچ تأویلی به آن استناد می شد. از این رو عمل خلیفه و ام المؤمنین را به امور دیگری تأویل کرده اند، از جمله:

«عثمان، امام مؤمنان و عایشه، مادر مؤمنان بوده است بنابراین آنها هر جا باشند گویی در منازل خود هستند.»

این توجیه نیز درست نیست؛ زیرا بر این توجیه کنندگان مخفی مانده است که پیامبر از عثمان و عایشه به این کار سزاوارتر بوده است، پس چرا او همواره نمازش را در سفر کوتاه می خواند؟

توجیه دیگر این است که «عثمان از مکه همسر برگزیده بود». این توجیه هم به همان دلیل قبلی، نادرست است؛ زیرا پیامبر (ص) نیز با همسرانش که برخی اهل مکه بوده اند مسافرت می کرد و در مکه نماز را کوتاه می خواند.

در توجیه دیگر آمده است: «عثمان این کار را به این سبب انجام داد که اعراب بادیه نشین که با او بودند گمان نکنند نماز همیشه در حضر و سفر دو رکعتی است».

این توجیه هم به همان دلیلی که توجیحات قبلی نادرست بود، قابل مناقشه است؛ زیرا این مسأله در زمان پیامبر (ص) هم وجود داشته، بلکه احکام نماز در زمان عثمان بیش از گذشته شناخته شده بود.

نووی توجیحات دیگری هم که برای فقیه قابل اعتماد نیست در شرحش بر صحیح مسلم^{۷۵} آورده و جز توجیه اوّل، همگی را ابطال کرده است و توجیه اوّل نیز همچنانکه گذشت، توجیه درستی نیست.

با این توضیح معلوم شد که عمل عایشه، دلیل جواز نمی شود؛ به ویژه که او روایتی نقل کرده که نماز در آغاز دو رکعتی تشریح شد چه در سفر و چه در حضر. آنگاه نماز در

۷۵. شرح صحیح مسلم، ج ۵، ص ۲۰۲، باب صلاة المسافرين و قصرها.

سفر به همان دو رکعت تثبیت شد و به نماز غیر مسافر دو رکعت اضافه شد. ۷۶

ابن جریر طبری در مورد عمل عایشه سخنی دارد. او در تفسیر آیه (وإذا ضربتم فی الأرض) روایتی را به سند خویش از عمر بن عبداللّه بن محمد بن عبدالرحمن بن ابی بکر صدیق نقل کرده که از پدرم شنیدم که می گفت:

از عایشه شنیدم که می گوید: نمازهایتان را در سفر، تمام بخوانید. به او گفتند:

رسول خدا(ص) نمازش را در سفر دو رکعت می خواند. عایشه در پاسخ گفت:

رسول خدا(ص) در جنگ بود و می ترسید. آیا شما هم می ترسید؟^{۷۷}

شوکانی در حاشیه ای بر این سخن چنین گفته است:

در توجیه عمل عایشه گفته شده که او در سفر به بصره به سبب اینکه برای جنگ با

علی(ع) آمده بود(و سفر معصیت بود)، نماز را تمام خواند؛ زیرا به نظر عایشه

فقط در سفر طاعت بایستی نماز را کوتاه خواند... بهترین سخنی که در مورد

تاویل عایشه گفته شده، روایتی است که بیهقی با اسنادی صحیح از طریق هشام

بن عروه از پدرش نقل کرده که عایشه در سفر نماز را تمام می خواند. به او

گفتم: کاش دو رکعتی می خواندی؟ گفت: ای خواهر زاده! چهار رکعت

خواندن بر من سخت نیست. این سخن نشان می دهد که از نظر عایشه کوتاه

خواندن نماز رخصت بوده است و تمام خواندن نماز برای کسی که به سختی

نمی افتد، بهتر است. ۷۸

۷۶. همان.

۷۷. تفسیر طبری، ج ۴، ص ۱۵۵.

۷۸. نیل الاوطار، ج ۳، ص ۲۱۲.